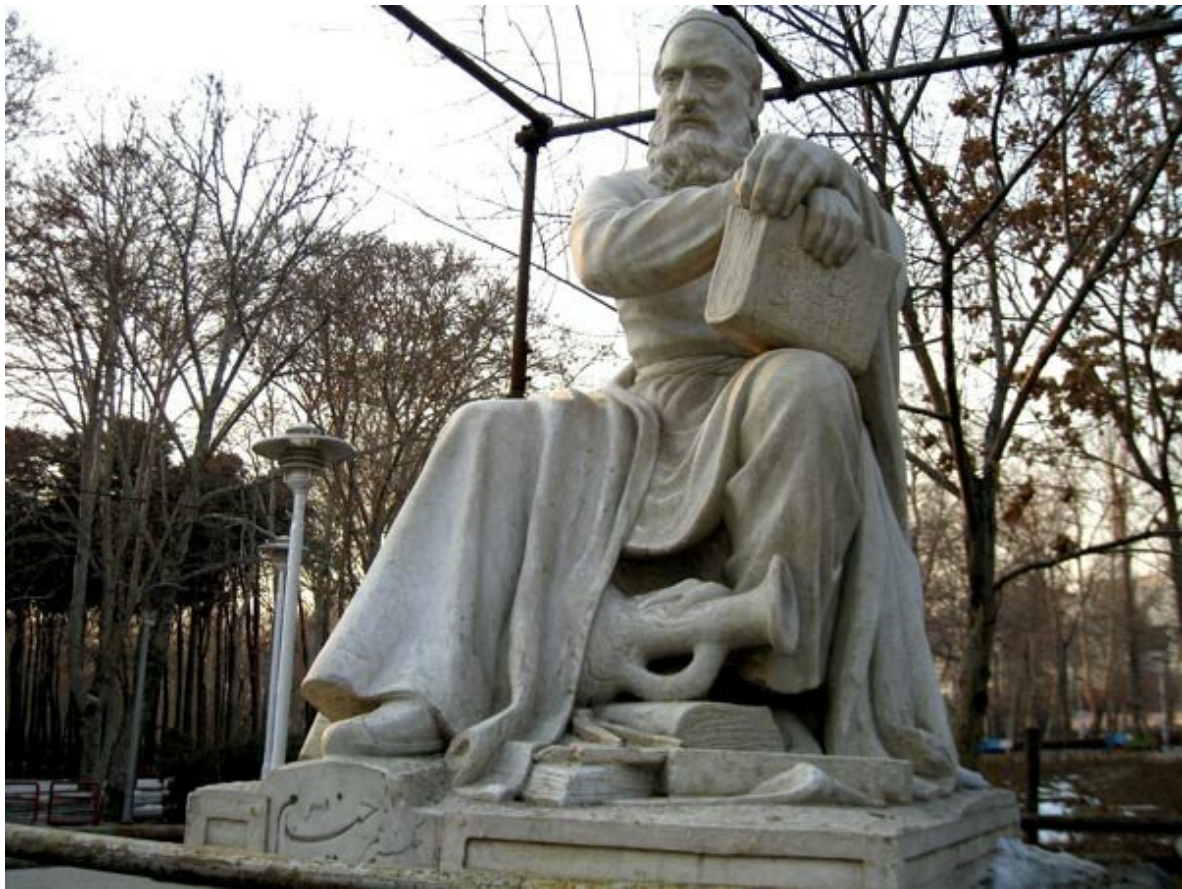


خیام بزرگ



* در ایرانزمین، ماه اردیبهشت یکی از ماه هایی است که در آن رخدادهای مهینی روی داده است از اینرو آن را بیش از بیش گرامی می داریم.

- یک اینکه مانند همه ی ماه ها **اردیبهشتگان** یا **جشن اردیبهشت** را داریم،
- دو دیگر این که روز بزرگداشت دو دُرْدانه ی دانش و خرد در این ماه است،
- روز بزرگداشت **فردوسی بزرگ**، بیست و پنجم اردیبهشت و روز بزرگداشت **خیام بزرگ ۱۸** اردیبهشت است.

* گفته شد که روز بیست و هشتم اردیبهشت، روز بزرگداشت **خیام بزرگ** این فرهیخته ی ایرانی است. پیشاپیش این روز بزرگ را به همه ی ایراندوستان شادباش می گویم.

* بزرگی و کارهای ارزنده ی استاد **خیام** به اندازه ای بزرگ و چشمگیر است که هاتا (حتی) **جمهوری اسلامی**، با همه ی دشمنی و ستیزی که با ایران و فرهنگ ایرانی دارد، نتوانسته گرامیک بودن این استاد را نادیده گرفته و از کنارش به سادگی بگذرد. این سازگان (رژیم) که دشمنی سرانش با فرهنگ ایرانی بر همه روشن شده است، از این روز در سالشمارش بدینگونه **روز بزرگداشت حکیم عمر خیام**

یادکرده است. ولی از آنجا که

نیش عقرب نه از رَه کین است اقتضای طبیعتش اینست

این روز را روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه ای هم نامیده است!!

* خیام بزرگ فرزانه ای (فیلسوفی) است بیمانند. او نه تنها سراینده ای چیره دست بوده است که یکی از اخترشناسان بزرگ آن روزگاران بوده است.

أوازه ی **خیام بزرگ** و کارهایش جهانگیر است. خیام بزرگ هم برای ما ایرانیان سرفرازی آفریده و هم کشورهای دیگر به او ارج بسیار می نهند. برای نمونه به پاس کارهایی که **خیام بزرگ** در دانش اختر شناسی کرده است،

- در سال ۱۹۸۰ در کهکشان ها ستاره ای را به شماره ی ۳۰۹۵ به نام **خیام** نامیده اند،

- در **تونس** مهمانخانه ای ساخته شده که نام **خیام** بر سر در آن می درخشد،

- **هالیوود** این سازمان بزرگ فیلمسازی جهان در سال ۱۹۵۶ فیلمی به نام **تصویر دروین گری** ساخت که برنده ی جایزه ی

اسکار شد. در آغاز و نیز در پایان این فیلم یکی از سروده های خيام بزرگ آمده است.
- هم چنین فیلمی به نام ملکه صحرای ساخته شده که با سروده ای از خيام آغاز می شود. آن سروده

بر چرخ فلک هیچ کسی چیر نشد
وز خوردن آدمی زمین سیر نشد
مغرور بدانی که نخورده ست ترا
تعجیل مکن هم بخورد دیر نشد

- امین معلوف نویسنده ی لبنانی تبار که نوشته هایش همه به زبان فرانسه می باشد، نام خيام را برای گهرمان داستانش برگزیده است. نام داستان او سمرغند می باشد.

- نویسنده ی چیره دست ما، هوشنگ معین زاده، نخستین نَسک خود را خيام و آن دروغ دلاویز نامیده است.

* یکی از کارهای ارزنده ای که خيام بزرگ کرده و برای ما ایرانیان بسیار ارزش دارد، درست کردن سالشماری است به نام سالشمار جلالی.

* پیش از درست شدن سالشمار جلالی به دست توانای خيام بزرگ، سالشمار ایرانی بدینگونه بود که هر ماه سی روز و سال هم دوازده ماه داشت. و این با گردش زمین به دور خورشید همخوانی نداشت و ماه ها و موسم (فصل) ها جا به جا می شدند. گاهی پیش می آمد که نوزد به میان تابستان می افتاد. برای سامان دادن به این نابسامانی هر سَد و بیست سال یک بار، یک ماه به سال می افزودند و سال به جای دوازده ماه، سیزده ماه می داشت.

گفته شده که در ماه سیزدهم هیچ کس هیچ کار نمی کرده و همه ی مردم این ماه را به شادی می گذرانیدند.
- این که می شنویم بزرگی یا سالمندی هنگامی که می خواهد کسی را نیایش (دعا) کنند، می گوید امیدوارم سَد و بیست سال زندگی کنی. این نیایش (دعا) از برای آنست که آن سالمند جهان دیده برای آن کس آرزو می کند که ۱۲۰ سال زندگی کند تا ماه سیزدهم سال را هم ببیند و آن را به شادی بگذراند.

* سالشماری که این روزها ما ایرانیان از آن سود می بریم، سالشماری است که خيام بزرگ با همکاری گروهی از اخترشناسان ایرانی درست کرده است.

- خيام ۳۲ ساله بود که خواجه نظام الملک توسی وزیر کارداران سلطان جلال الدین خوارزمشاهی از او درخواست می کند تا با موشکافی هر چه بیشتر سالشماری درست کند. خيام بزرگ در همان سالهای جوانی به اندازه ای در دانش رایشگری (ریاضی) ورزیده و بر آن چیره بود که می پذیرد اینکار سترگ را انجام دهد. خيام بزرگ و گروهی از اخترشناسان و رایشگران (ریاضی دانان) با ۱۸ سال کار شبانه روزی و دود چراغ خوردن های بسیار توانستند درست ترین سالشمار را با موشکافی و با خردی بمانند فراهم کرده و به ایرانیان و به جهانیان پیشکش کنند. این سالشمار هر ده هزار سال یک بار چیزی نزدیک به سه روز با گردش زمین به دور خورشید ناهمسانی دارد.

* خيام بزرگ؛ هم فرزانه (فیلسوف)، هم رایشگر (ریاضیدان)، هم ستاره شناس، هم ادب دان و هم سراینده بوده است. هر چند که او در دانش رایشگری (ریاضی) از جایگاهی بالا و ارزنده برخوردار بوده است، ولی پرآوازه شدن او بیشتر از برای سرودن چهارتایی هایش (رباعیات) است که بیشتر از پیش او را در جهان شناسانیده است.
- چنین آمده است که سروده های خيام بزرگ در زمان زندگی او پخش نمی شده و چند تن از دوستان بسیار نزدیکش آنها را پنهان نگه داشته اند. چرایی آن هم خشک مغزی و پیورزی (تعصب) های اسلامی مردم آن زمانه بوده. او سروده است

گر من ز می مغانه مستم هستم
گر کافر و گبر و بت پرستم هستم
هر طایفه ای به من گمانی دارد
من زان خودم هر آنچه هستم هستم
=====

گویند بهشت و حور عین خواهد بود
و آنجا می ناب و انگبین خواهد بود
گر ما می و معشوقه گزیدیم چه باک
آخر نه به عاقبت همین خواهد بود

بشنو این نکته که خود را زغم آزاد کنی
خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی
آخرا امر گل کوزه گران خواهی شد
حالیا فکر سبوکن که پر از باده کنی

- نویسنده ی چیره دست ما، **هوشنگ معین زاده** برای خیام بزرگ سه چهاراد می شناسد:

+ رایشگر (ریاضدان)

+ اختر شناس (منجم)

+ سراینده (شاعر)

که می باید هر سه چهاراد را با هم نشان داده شوند.

- یکی از دستداران **خیام**، استاد (پروفسور) دکتر **حسین صادقی** که ورزیدگی و زبردستی او در رشته ی پزشکی زبانزد همگان است، چهار تایی های (رباعیات) خیام را به سه زبان فرانسه، انگلیسی، عربی برگردانده و در نسکی گرانها به چاپ رسانیده است. این نسک که چیزی پیرامون شانزده یا هفده سال پیش، برای نخستین بار چاپ شده، خوشنویسی پارسی آن را استاد **غلام حسین امیر خانی** انجام داده و نگاره هایی از کارهای استاد **محمود فرشچیان** زیبایی آن را دو سَد چندان کرده و نسکی ارزنده را در دسترس دستداران **خیام** بزرگ نهاده است. چندی پیش گفتگویی با استاد دکتر **حسین صادقی** داشتم. در آن گفتگو دکتر **صادقی** یادآور شد که به همین روش، ولی این بار به هشت زبان، نسک تازه ای بیرون داده شده است. در همین جا سپاس های خود را به پیشگاه این پزشک ایراندوست ارمغان می دارم.

* سرانجام خیام بزرگ هم مانند هر زیستمند دیگری، در سال ۵۱۰ خورشیدی، برابر با ۱۱۳۱ ترسایبی چشم از این جهان فرو بست. به همانگونه که خودش سروده است

از تن چو برفت جان پاک من و تو

خشتی دو نهند بر مفاک من و تو

وانگه زبرای خشت گور دگران

در کالبدی کشند خاک من و تو

می خور که به زیر گل بسی خواهی خفت

بی مونس و بی رفیق و بی همدم و جفت

زنهار به کس مگو تو این راز نهفت

هر لاله که پژمرد ، نخواهد بشکفت

* پس از درگذشت پیکر **خیام** در گورستان شهر **نیشاپور** به خاک سپرده می شود و گور ویژه ای نداشته است و بیشتر به ویرانه ای همانند بوده است. تا اینکه در برنامه ی گشایش آرامگاه **فردوسی** گروهی که به **توس** می رفتند. در میان راه از بر آن می شوند از آرامگاه **خیام** بزرگ نیز دیدن کنند. پس از دیدن گور خیام، پیشنهاد ساختن آرامگاهی را می کنند که برانزده ی این دانشمند یگانه باشد. بدینگونه می شود که همزمان با برپایی جشن هزاره ی **فردوسی** بزرگ، انجمن آثار ملی آرامگاهی برای خیام بزرگ می سازد.

- آرامگاه خیام بزرگ که شالوده ی آن به دست توانای مهندس هوشنگ سبحون ریخته شده، در سال ۱۳۴۱ به پایان می رسد.



نمایی از آرامگاه خیام بزرگ

فراهم کننده : ژاله دفتریان
اردیبهشت ۲۵۸۱ ایرانی
ماه مه ۲۰۲۲ ترسایبی